

بسم الله الرحمن الرحيم

انه لقران کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون.

مستحضرید بحث گذشته ما مربوط به تفسیر آیات 63 تا 74 سوره بقره بود؛ خاصیت این فقره این بود که احوال بنی اسرائیل را بیان می نمود. ما قرار شد به مباحثی پردازیم که یا بحث نشده است و یا کمتر بحث شده است.

آیه 65 سوره: و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت.

می دانید داستان کسانی را که روز شنبه نافرمانی کردند. ببینید این آیه در حد تاریخی شاید چیز مهمی نباشد؛ قرار بر این بود که بنی اسرائیل روز شنبه دنبال صید ماهی نروند و روزهای دیگر صید کنند منتهی بنی اسرائیل دیدند روز شنبه ماهی ها کنار ساحل می آیند؛ از طرفی هم دستور خدا این بود که روز شنبه صید نکنند و... بنی اسرائیل کلاه شرعی درست کردند یک حفره های را کنار ساحل دریا درست کردند ماهی ها می آمدند درون حفره ها بعد هم بنی اسرائیل اجازه نمی دادند از حفره ها ماهی ها خارج شوند و روز یک شنبه این ها را صید می کردند. من یک جا خواندم این ها شنبه ها قلاب می انداختند و ماهی ها را می گرفتند اما قلاب را جمع نمی کردند بلکه روز یک شنبه جمع می کردند. استدلالشان هم این بود که ما روز شنبه صید نکردیم بلکه روز یک شنبه صید کردیم. شعار هم می دادند که ما شنبه ها از صید منع شدیم نه از حبس ماهی و...

می دانید قوم یهود از دیرباز به حيله شرعی مشهور بودند. آقای بُدْلا (ره) کتابی دارد به نام 70 سال خاطره، در این کتاب می گوید ما بچه که بودیم در محله پامنار تهران یهودیان هم زندگی می کردند در آیین آنها آمده بود شب شنبه در منازلشان چراغ روشن نکنند من هر وقت شب شنبه می رفتم می دیدم اینها کبریتی به دست گرفته اند و بیرون ایستاده اند و از مسلمانان می خواهند تا چراغ آنها را روشن کنند چون آنها مقید بودند از شب شنبه چراغ و آتش روشن نکنند.

معلوم است که این ها یک حيله است. وقتی گفته می شود چراغ روشن نکن یعنی در تاریکی بمان یا خودت مستقیماً با دست خودت چراغ را روشن نکن؛ یکی از بستگان من دیدم وقتی سیگار می کشد دستش را می گذارد جلوی لبش بعد می کشد گفتم چرا این کار را می کنی؟ گفت من قسم خورده ام لب به سیگار نزنم از طرفی هم پشیمان از تصمیمم شده ام. من دیدم در اینجا خلا بزرگی است و ندیدم کسی وارد این بحث بشود.

این مساله از جنس مسائل فلسفه فقه است نه تفسیر؛ ما به دو شکل می توانیم این بحث را مطرح کنیم. 1. در شریعت مطهر اسلام تا چه حد ما باید اسم گرا باشیم و تا چه حد باید غایت گرا باشیم؟ اگر با روش معهود و با اساتید کفایه و رسائل جلو آمده باشید این بحث را هیچ کجا ندیده اید. ولی لا به لای کتاب ها به این بحث اشاره می شود. مثلاً در کتب معتبر اصولی شما این عبارت را می بینید الاحکام تدور مدار الاسماء؛ عجیب اینکه این جمله را هم می بینید الاحکام تدور مدار الواقع؛ الاحکام تدور مدار المصلحة و... اگر کسی اسم گرایی را بپذیرد باید تالی تلوهای آن را بپذیرد اگر یک چیزی واقعه هم عوض شود ولی اسمش باقی بماند طبق اسم گرایی باید حکم همان اسم را داشته باشد. من این را در کتاب روش شناسی اجتهاد مطرح نموده ام و به بیان دو روش پرداختم.

2. اگر مصلحت در یک جا با اطلاق قانون یا با حکم شرعی ناهمسویی کند آیا ما باید به مصلحت نگاه کنیم یا به اطلاق قانون؟ آیا حیل شرعی، در شریعت ما جایگاه دارد یا ندارد؟

یا مثلاً احکام شکلی که در شریعت وجود دارد را می شود دور زد. مثلاً قبل از رسیدن وقت پرداخت زکات دو عدد گوسفند را به زنتش هدیه دهد تا به نصاب زکات نرسد و زکات نپردازد و زنتش بعد از یک روز دوباره گوسفندان را به شوهر ببخشد. آیا این

کار درست است یا قبل از رسیدن سال خمسی به زنش اموالش را هدیه کند و با زنش شرط کند فردای سال خمسی به من برگردان و... یا دست گردانی که بعضی از دفاتر انجام می دهند آیا درست است؟

در بخش سوم فقه و مصلحت فصل اول، مبحث اول (ص 615 تا 661) من بحثی را با عنوان کشاکش مصلحت با شریعت و قانون، مصلحت و حیل شرعی، و... (حیل لفظ بدی است در فارسی به معنای مکر و نیرنگ اما در عربی حیل به معنای تدبیر است) مطرح کرده ام که توصیه می کنم حتماً ببینید. این بحث هم ریشه در قرآن دارد و هم ریشه در فقه شیعه و سنی دارد. عجیب اینکه ما موضع ثابتی هم در این مساله نمی بینیم.

قاضی ابویوسف در دستگاه بنی العباس بود. یک موقع به ابوحنیفه گفتند این آقای ابویوسف ظاهراً شاگرد ابوحنیفه بود ولی به گونه ای بود که سبب شهرت استادش هم شد. (می دانید که بخش عظیمی از جهان اسلام پیرو فقه احناف هستند عثمانی ها پیرو احناف اند هند، افغانستان و... پیرو احناف اند) به ابوحنیفه گفتند ابویوسف یک حيله ای کرده است نظر شما چیست؟ گفت حيله چیست؟ گفتند ایشان مطرح کرده صاحبان زکات می توانند قبل از سال زکات مال را ببخشند یک ساعت بعد از سال زکات پس بگیرند و... تا زکات نپردازند. ابوحنیفه وقتی این را شنید گفت ذاک من فقهه ... معلوم است خوب فقه را فهمیده است.

غزالی فقیه شافعیه است ایشان می گوید: ذاک من فقه الدنيا لا فقه الاخرة؛ غزالی غایت گراست. می گوید شارع زکات را قرار داده تا فقرا به قوتی برسند و.. با این کار شما که فقرا بهره ای نمی برند.

این یک مساله جهانی است فیلسوفان حقوق بحث می کنند که آیا روح قانون مهم است یا متن قانون مهم است؛ این بحث در قضاوت بسیار کاربرد دارد. آیا امارات قانونی برای قاضی موضوعیت دارد یا طریقیست دارد؟ در اینجا دنیا به دو گروه شده اند برخی ها معتقدند حاکمیت با ادله و امارات قانونی است. لذا اگر کسی آمد پیش قاضی اقرار کرد و قاضی می داند این اقرار بر اثر فریب است و... باز هم اقرار نافذ است. مرحوم نائینی می فرماید اقرار پذیرفته می شود ولو قاضی، علم به خلاف داشته باشد. اما برخی ها می گویند اطمینان قاضی ملاک است لذا قاضی اگر می داند که بینه اشتباه می کند و... نمی تواند طبق بینه قضاوت کند.

مشکل از اینجا شروع می شود که ما در شریعت، نه حیل را مطلقاً مردود می بینیم و نه مطلقاً مقبول؛ اگر شارع باب حیل را بسته بود ما خیالمان راحت بود. اما مشکل این است ما مواردی از حیل در شریعت داریم. از طرفی هم ما نمی توانیم بایش را باز کنیم. خجالت آور است برخی ها کتاب در مورد بانک داری اسلامی نوشته اند و گفته اند برای فرار از ربا یک کبریت به کارمند بانک بده و... تا مشکل ربا حل شود.

به نظر ما این که بانک داری اسلامی نمی شود این که نظام اقتصادی اسلام نمی شود!

اگر ما نظام اقتصادی در اسلام داریم باید مدیریت کنیم.

جناب ایوب (علی نبینا و اله و علیه السلام) مریض شد خانمش یک کاری کرده بود ایشان قسم خورده بود خانمش را با شلاق تادیب کند. از طرفی هم خانومش در سختی ها کمکش کرده بود؛ حضرت ایوب خارج از انصاف می دید که قسمش را عملی کند لذا در اینجا خداوند تدبیر کرد و فرمود از شاخه های نخل به هم ببند و با آن یک دفعه به زنت بزن خذ بیدک ضغثاً ... یعنی به شکل قانون احترام بگذار. یا در آیه ربا، انما الالبیع مثل الربا ... اشکال مخالفان حکم ربا این بود چه فرقی بین بیع و ربا است؟ اگر شما یک یخچال قسطی بخرید از همان ابتدا مغازه دار گران تر می فروشد و این اشکال ندارد ولی اگر بخرد 50 میلیون بعد نتواند پول را پرداخت کند و تقاضای مهلت کند و فروشنده بگوید پس به من بعد یک سال 60 میلیون بده می گویند این ربا است و... در اینکه آیا أحل الله الیبیع و حرم الربا کلام خداست یا کلام خود مخالفان ربا اختلاف وجود دارد.

من در فقه و مصلحت گفته ام نه می شود مطلقاً با حیل مقابله کرد (البته نباید مقاصد شارع آسیب ببیند چون اگر مقاصد شارع آسیب ببیند ما حیل را نخواهیم پذیرفت. البته در مواردی مثل بیع العینه ما حیل را می پذیریم) و نه می شود باب حیل را بی حساب و کتاب باز کرد.

آقایان این 47 صفحه فقه و مصلحت را مطالعه کنید. ما بحث را همین جا خاتمه می دهیم ولی خود شما پیگیری کنید.

الحمد لله رب العالمین